



نویسنده و گردآورنده:  
مهدی صادقی



سرشناسه: صادقی، مهدی، ۱۳۵۲  
 عنوان و نام پدیدآور: کتاب کبریت ایران  
 مشخصات نشر: تهران: رسم، ۱۳۹۴.  
 مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص. مصور (رنگی)، جدول، نمودار.  
 شابک: ۹۷۸۹۶۴۸۷۲۷۹۹  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فی‌بای مختصر  
 یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی [www.olec.nli.ir](http://www.olec.nli.ir) قابل دسترسی است  
 یادداشت: کتاب‌نامه  
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۸۷۴۴۷

## کتاب کبریت ایران

نویسنده و گردآورنده: مهدی صادقی

ناشر: رسم

گرافیک کتاب: آتلیه رسم

چاپ نخست: ۱۳۹۴

شمارگان: هزار نسخه

چاپ: سبزآرنگ

صحافی: سیمی‌ساز

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۶۳-۷۹-۹

نشر و پژوهش رسم

نشانی پستی: تهران، صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۶۴۹

نشانی:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان روانمهر، پلاک ۴۲ واحد ۱

تلفن: ۶۶۹۶۲۵۳۷، ۶۶۴۱۵۶۳۸، ۶۶۴۱۵۲۶۹، ۶۶۴۱۵۲۸۶۶، ۰۹۱۳۲۲۷۳۸۶۶

[www.rasm.ir](http://www.rasm.ir)

[info@rasm.ir](mailto:info@rasm.ir)

|                                              |                                            |
|----------------------------------------------|--------------------------------------------|
| ۹۱ طرح‌های انتزاعی و صرفاً تزیینی            | ۹ بیش‌گفتار                                |
| ۹۲ طرح‌های مجموعه‌ای                         | ۱۷ کتاب تاریخچه کبریت ایران (مهدی سیدی)    |
| ۹۵ طرح‌های برگرفته از برندهای مطرح سوئد      | ۲۷ چیست کبریت                              |
| ۹۷ طرح‌های متکی بر دیزاین قوطی یا لیبل       | ۳۰ در جستجوی آغاز                          |
| ۱۰۰ طرح‌های تصویرسازانه                      | ۳۰ فیروزهرزا                               |
| ۱۰۲ طراحی لیبل یا کبریت بر پایه‌ی نشان تجاری | ۳۱ مادر دکتر مصدق                          |
| ۱۰۴ طراحی نشانه‌ی رسمی حکومت                 | ۳۱ سیگار و کبریت                           |
| ۱۰۶ طراحی متکی بر نوشتار                     | ۳۲ قضیه کبریت                              |
| ۱۰۷ طراحی نمادهای برگرفته از افسانه‌ها       | ۳۴ نخستین سالی که کبریت آمد                |
| ۱۱۱ باغ‌وحش کبریتی                           | ۳۸ امین‌الدوله و نخستین کارخانه‌ی کبریت    |
| ۱۱۳ شیر آرام و با ایهت                       | ۴۳ میرزا حسین واعظ                         |
| ۱۱۴ اسب، هویان و پریدن                       | ۴۵ کبریت‌سازی اسلام                        |
| ۱۱۵ فیل؛ از فتح‌علی شاه تا فرشته             | ۴۵ کبریت‌سازی ایرانیان                     |
| ۱۱۶ عقاب، هزار سال آتش                       | ۴۷ تولد توکلی و ممتاز                      |
| ۱۱۸ شتر؛ از مشرق‌زمین به‌سوی غرب             | ۴۸ پدر کبریت ایران                         |
| ۱۲۶ کبریت در آینه‌ی هنر                      | ۵۴ امتیاز انحصاری کبریت آذربایجان          |
| ۱۲۸ کبریت‌سازان                              | ۶۲ انحصار کبریت                            |
| ۱۴۴ اسناد کبریتی                             | ۶۷ پس از شهریور ۱۳۲۰                       |
| ۱۷۷ آلبوم کبریت                              | ۷۵ کبریت؛ کالای استراتژیک                  |
| ۲۰۰ مزایای کلکسیون و مجموعه‌داری کبریت       | ۷۸ پس از مرداد ۱۳۳۲                        |
| ۲۰۱ معرفی ۳۱ کلکسیونر کبریت                  | ۸۳ کبریت سوئدی                             |
| ۲۵۸ فرهنگ واژگان کبریتی                      | ۸۶ گونه‌شناسی طرح‌های کبریت در ایران       |
| ۲۶۵ منابع                                    | ۸۸ روایت یک رخداد ملی یا جهانی             |
| ۲۶۸ نمایه نام نفرات                          | ۸۸ طراحی چهره افراد شاخص                   |
| ۲۷۱ درباره‌مؤلف                              | ۸۹ تأکید بر مالیت ایرانی و قومیت‌های مختلف |

### کبریت هویت ماست

آنچه در این کتاب پیش روی شماست، مروری است بر سیر تحول طراحی و تولید کبریت در ایران، از بدو ورود تا سال ۱۳۵۷. از زمانی که کبریت به عنوان یک کالای لوکس و سوغات فرنگ در میان اعیان و اشراف جای باز کرد تا زمانی که به کالای ضروری و سپس به کالای استراتژیک تبدیل شد. نیز تا پس از آن که به کالایی خرد و کم و بیش صرفاً کلکسیونی تبدیل شده است.

از آن روز تاکنون حدود ۱۶۰ سال می‌گذرد و از اختراع کبریت تا امروز حدود ۱۸۰ سال.

مرور تاریخ طراحی و تولید کبریت در ایران، ما را به این سمت می‌کشاند که کبریت‌ها یکی از نوادهای نقاله‌ی تاریخ ماست. بسیاری از جعبه‌های چوبی کبریت‌های چند دهه پیش، برای خیلی‌ها حتی آنهایی که اصلاً در آن زمان نبوده‌اند، خاطره شده است. امروز این کبریت‌ها خاطرات ما را می‌سازد و هر کلکسیونری که کبریت‌های قدیمی جمع‌آوری می‌کند، در واقع خاطرات گذشته را پاس داشته است.

بر این باورم که کبریت برای ما ایرانی‌ها چیزی فراتر از خاطره است. کبریت، تجربه و تاریخ ماست. کبریت‌ها بخشی از هویت جمعی‌مان را شکل می‌دهد. کبریت کالای خاصی است که به دلایل بسیاری از جمله کوچک و جمع و جور بودن، ظریف و زیبا جلوه‌گری کردن، همیشه در کنار ما و در برابر چشم‌هایمان بوده است. نزدیک‌ترین شاهد اتفاقات بوده، در جیب‌ها جا شد و با دست‌ها، دوست، کدام کالا را با چنین رغبتی با خودمان حمل می‌کنیم و همیشه برابر دست و دیده‌مان است؟ به‌سان دکوری سر تا قهقهه، همیشه برابر چشم‌ها و خاطره‌هاست، اما به مانند آن، فقط دکوری نبوده و نیست، به محض نیاز، در دسترس قرار گرفته و می‌گیرد تا گرمایی ایجاد کند برای زندگی بهتر.

تا امروز که هووی گازی و بنزینی‌اش! بیشتر دلبری می‌کند، کبریت همچنان خاطره، تجربه، تاریخ و هویت ماست. روی کدام فندک می‌توان لباس‌های محلی اقوام ایرانی را ترتیب کرد و چید و به این هویت‌های مستقل و در هم تنیده، بالید؟ روی کدام فندک می‌توان میراث کهن فرهنگی را یادآوری کرد؟ یا مشاهیر تاریخی را سبیل تا سبیل کنار هم، ردیف کرد؟!

فندق زود برمی آید و زود تمام می شود. کمتر می شود به آن دل بست. این باور من و بسیاری از کلکسیونرهای کبریت و کبریت دوست هاست.

کبریت هویت ماست. تاریخ کبریت با تاریخ این مرز و بوم هم رنگ شده است. کبریت کالایی که برای چهار دهه، یکی از کالاهای مهم جامعه ی ما بوده است. از زمانی که نخستین کارخانه های کبریت سازی به شیوه ی جدید و در قرن حاضر پا گرفت تا حدود سال های دهه ۱۳۳۰ یکی از کالاهای مهم و ضروری در زندگی ایرانیان بوده است. کالایی که در دوره ای، با مهم ترین کالای مصرفی مان «نان» هم ارزش شد. تاریخ، فقط روایت روزگار حاکمان و فرمانروایان نیست، اگرچه بیشتر مورخان چنین پنداشته اند که سیر تحول حکومت ها و تبدیل آنها، تاریخ است و فقط راوی چنین برآمدن و کله پا شدن ها بوده اند!

تاریخ، شیوه ی زندگی ماست و طرز فکر کردن و گونه ی گفتار ماست. پادشاهان و حاکمان، فقط تقویم تاریخ اند و نه خود تاریخ. همین اشتباه مسلم مورخان حکومتی است که امروز ما دچار چنین خلا تاریخی شده ایم. بیش از این که تاریخ برای مان نقل کند که پیشینیان ما چگونه فکر می کردند، حرف می زدند و کار می کردند یا چگونه روزگارشان را می گذرانند، مورخان به این پرداختند که: کدام پادشاه چند سال سلطنت کرد، چگونه تاج بر سر نهاد، چگونه دیگری تاج را از سرش ربود، چند قصر و بنا ساخت؟ و...

نسل امروز نیاز دارد بداند پیشینیان چگونه راه حل می یافتند برای مشکلات شان، یا چگونه با دیگران ارتباط برقرار می کردند؟ یا چرا این همه نظم و نثر نوشته شده و مردم را به درست کرداری دعوت می کرده؟ این حجم گسترده ی نصایح و پندها برای چه کسانی سروده و نوشته شده؟ آیا پیشینیان ما، از این نظر مشکل داشتند؟ و اگر نداشتند، این همه حکایت درس آموز برای چه کسی و چرا ساخته و پرداخته شده است؟ تاریخی که به نسل امروز رسیده، به هیچ کدام پاسخ نمی دهد و سبب اصلی اش، باور نادرستی بوده که از تاریخ داشته اند. بر این باورم، جامعه ی آن روزگاران کهن هم، به سان جامعه ی امروزمان، گرفتار نقصان های فراوان بوده، اما خیلی مسایل دست به دست هم داد تا دیروزمان را به وضوح نتوانیم درک کنیم.

در این کتاب سعی کرده ام بخشی از تاریخ کبریت در ایران را براساس یافته های خویش بیان کنم. یافته هایی از میان کتاب های مختلف، از «خاطرات و خطرات» گرفته تا «یادداشت ها» و «نامه های شخصی». نیز از اسناد دولتی منتشر نشده تا روایت های شفاهی معتبر.

کبریت یکی از کالاهایی است که برای ایرانیان یادآور زندگی جدید با وسایل و ابزار مدرن است. کبریت با چند سال پس و پیش، با آمدن کالاهای پدید آمده های دیگر چون سیگار، تلفن، برق، اتومبیل و اتوبوس، طیاره و... وارد زندگی ما شد. نیز هم دوره ی رادیو و سینماست. کبریت با اواخر دوره ی «ناصری» و آغاز مشروطیت همزمان است. کبریت «ناصری» همه گیر نمی شود، اما کبریت مشروطه، همه جا سرک می کشد

و جا باز می‌کند؛ از توبره‌ی درویش گرفته تا جیب نخست‌وزیر!

کبریت کالای عجیبی است، از یک سو با کالاهایی چون توتون، تنباکو و سیگار هم‌داستان است و از سوی دیگر، با کالای فرهنگی چون تمبر هم‌ساز می‌شود. کبریت به لحاظ دو دو تا چهارتای اقتصاد بازار و سود و سرمایه، بسته به توتون و تنباکوست و مصرف آن را سیگاری‌ها و قلیانی‌ها، بالا می‌برند و این بالا رفتن مصرف، تداوم کبریت را نوید می‌دهد. هر چه مصرف بیشتر شود، امید به زنده ماندن کالا و پویایی‌اش بیشتر می‌شود. جدا از مسایل اقتصادی و تولید کبریت، طراحی بسته‌ها و لیبل‌های کبریت یک مساله‌ی فرهنگی و فرهنگ‌ساز بوده و هست. در طراحی کبریت‌ها، همیشه نگاه اصلی به طراحی تمبر بوده و هست. در واقع، کبریت همیشه کالای دو سر است: یک سرش اقتصاد و تجارت است و سر دیگرش فرهنگ و هنر. کمتر کالایی را می‌توان یافت که چنین طیف گسترده‌ای را در بر بگیرد.

این مسایل و مشابهت‌های از این دست، سبب شد تا تاریخ کبریت ایران را به حد توان، تالیف و اسنادش را گردآوری کنم. تاریخی که یافتن و نوشتن‌اش کار ساده‌ای نیست. اصولاً نوشتن درباره‌ی هر مساله‌ی تاریخی بسیار پیچیده است، به‌خصوص در کشوری که تاریخ و تاریخ‌نویس‌اش همواره روی لبه‌ی تیز تیغ قرار دارند و حرکت می‌کند.

درباره اهمیت کبریت صحبت شد و استراحت یک بودن آن، اما همین کالای مهم در هیچ سند تاریخی مکتوب نشده که چه موقع و چه کسی یا کسانی آن را به ایران آوردند؟ یا اینکه نخستین کارخانه یا کارگاه کبریت‌سازی کجا و چگونه و توسط چه کسی ساخته شد؟ آخر و عاقبتش چه شد؟ و...

قاعداً بایستی در اسناد مکتوب دولتی چنین مسایلی ثبت شده باشد. آنچه از اسناد پیشین که اکنون در سازمان اسناد ملی، کتابخانه مجلس، آرشیو وزارت صنعت، کتابخانه مرکز آمار یا مکان‌های مشابه نگهداری می‌شود، کمتر به مسایل اساسی و جدی کبریتی می‌پردازد.

برای یافتن رگ و ریشه‌های تاریخی این مسایل، ضروری بود تا خاطرات و یادداشت‌های تاریخی افراد بررسی شود. از خاطرات اعتمادالسلطنه گرفته تا خاطرات ممتحن‌الدوله، نجم‌السلطنه، عبدالغفارخان نجم‌الملک، عبدالحسین میرزا فرمانفرما، مستشارالدوله صادق، حاج محمد تقی جورابچی، رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه و...

شاید در گوشه‌های باریک و تاریک برخی از این یادداشت‌ها و زندگی‌نامه‌ها، اشاره‌ای به کبریت و تاریخ آن شده باشد تا بتوانم یافته‌های تاریخی‌ام را مدون سازم. سرانجام با دقت بسیار و زحمت فراوان این قطعات پازل را کنار هم چیدم و به تحلیل‌هایی رسیدم که در صفحات بعدی خواهید خواند. اما این تلاش و تحلیل سبب نشده تا از یافته‌های دیگران بی‌نیاز شوم و از همه‌ی پژوهشگران دلسوز، درخواست دارم چنانچه در آینده، سند و مکتوب دیگری یافتند که دریچه‌ای نو بر تحقیقات پیشین باز می‌کند، آن

را منتشر کنند تا به مرور، آنچه از گذشته‌ها پوشیده مانده، عیان و آشکار گردد.

نکته دیگر اینکه، در این نوشتارهای تحلیلی‌ام، گرافیک لیبِل‌ها و قوطی‌های چوبی را مبنا قرار دادم. نخست در نظر داشتم این مطلب در دو بخش جداگانه ارائه شود: تاریخ کبریت در ایران و سیر تحول طراحی گرافیک در لیبِل‌ها و قوطی‌های چوبی کبریت ایران. یادداشت‌ها و نوشته‌های آغازین هم در این دو بخش دسته‌بندی شده بود. به مرور که دانسته‌ها و داشته‌هایم از موضوع بیشتر شد، احساس کردم دو لاین مختلف یک مسیر را ترسیم کرده‌ام که گاهی به تکرار می‌گراید و گاهی به گمراهی، کشیده می‌شود. نیز اینکه، برخی موضوعات در هر دو بخش جای بحث و نظر داشت. این شد که تصمیم گرفتم هر دو را با هم و در یک کتاب بیاورم. اما مورد به مورد، هر کجا که لازم شد پرازنه‌های چند صفحه‌ای باز کنم و آن مساله و مورد را کامل شرح دهم. سپس روند کلی را پی بگیرم.

در بررسی سیر تحول طراحی کبریت‌های ایرانی، این دوره‌های تاریخی را می‌توان دسته‌بندی کرده و جداگانه درباره‌ی هر کدام تحقیق کرد:

۱. آغاز ورود کبریت‌های خارجی به ایران و مرسوم شدن استفاده از آن (از ۱۲۷۵ ق.).
۲. تأسیس نخستین کارخانه کبریت در ایران توسط امین‌الدوله (۱۳۰۸ ق.).
۳. شکل‌گیری کارگاه‌های کبریت‌سازی دستی و کوچک (از دوره‌ی مشروطه تا پیش از کودتای ۱۲۹۹ خ.).
۴. راه‌اندازی نخستین کارخانه‌ی کبریت‌سازی ثبت شده (توکل) در تبریز (۱۲۹۷ خ.).
۵. آغاز به کار بزرگ‌ترین کارخانه‌ی کبریت‌سازی (ممتاز) در تبریز (۱۳۰۰) و اعطای امتیاز تولید، خرید و فروش کبریت در آذربایجان به این کارخانه توسط مجلس شورای ملی (۱۳۰۱).
۶. تصویب قانون انحصار کبریت در مجلس شورای ملی (۱۳۱۰/۱۲/۱۹) و واگذاری ورود، خرید و فروش آن به دولت (در راستای ملی یا انحصاری شدن کالاها و خدمات دیگر در دوره‌ی رضاشاه).
۷. واردات کبریت از خارج (به‌ویژه ژاپن) در بحبوحه‌ی جنگ جهانی دوم به ایران.
۸. واگذاری امور کبریت به سازمان دخانیات.
۹. ورود دستگاه‌های جدید چاپ (دهه ۱۳۲۰).
۱۰. تحولات جدید در طراحی تمپر که روی طراحی لیبِل کبریت‌ها اثرگذار بود.
۱۱. تأسیس سازمان استاندارد (۱۳۳۹) و لزوم هماهنگ شدن تولید کبریت با آیت‌های این سازمان.
۱۲. سامان یافتن قانون مالیات و جایگزینی پرداخت حق انحصاری کبریت با پرداخت مالیات.
۱۳. اوج‌گیری تبلیغات و رقابت بین تولیدکنندگان داخلی که به رسانه‌ی روز (کبریت بغلی) روی آوردند.
۱۴. فراگیر شدن قوطی‌های مقوایی و مقرون به‌صرفه نبودن قوطی‌های چوبی از اواسط دهه ۱۳۴۰.

۱۵. تغییر طراحی گرافیک کبریت از لیبل به طراحی بسته‌بندی قوطی کبریت
۱۶. وقوع انقلاب و تعطیلی موقت چند کارخانه‌ی مهم تولیدکننده‌ی کبریت
۱۷. حمایت دولت از برخی صنایع تولیدی (کالاهای اساسی و پر مصرف) در زمان جنگ
۱۸. شکل‌گیری فضای جدید تولید و رقابت پس از پایان جنگ
۱۹. ورود بی‌رویه و بعضاً غیرقانونی فندک (به‌ویژه از چین) به ایران (۱۳۸۰ و پس از آن)

لازم می‌دانم از همکاری آقای مهدی غیاث که چند منبع مفید را به اینجانب معرفی کردند، تشکر کنم. همین‌طور سبب آشنایی‌ام با تنی چند از مجموعه‌داران کبریت شدند. همچنین از آقای **بی‌الله حیدری دورباش** به‌خاطر همراهی همدلانه‌شان در گردآوری آلبوم کبریت‌ها سپاسگزاری کنم. نیز از آقای **مجتبی حیدری رامشه** که مجموعه کبریت‌ها و لیبل‌هایشان را در اختیارم گذاشتند، از برای عکاسی و اسکن. اگر محبت این سه بزرگوار نبود، دسترسی به بسیاری از نمونه‌ها امکان‌پذیر نمی‌شد.

این کتاب را با احترام به زنده‌یاد **مهدی ودود سیدی** پیشکش می‌کنم. او نخستین کسی است که درباره‌ی تاریخ کبریت ایران دست به قلم شد و دو کتاب در این خصوص نوشت. پیش از شروع مطالبم، مناسب می‌دانم متن کامل یکی از کتاب‌های ایشان را بیاورم. این کتاب در ۱۶ صفحه‌ی قطع جیبی، سال ۱۳۴۵ منتشر شده بود که به سبب اهمیتش و نیز ارجاعاتی که به آن شده، بازنشر می‌شود.

**مهدی صادقی**